



نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-

۲۰۱۰

نرجس عربشاهی^۱

بهناز اژدری^۲

چکیده

رقابت ممتد و پایدار ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه قدمتی طولانی دارد و با توجه به تنش‌ها و مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قاعده رفتار و عملکرد آن‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت است. رویکرد سیاسی منبعت شده از این رقابت کمتر بر پایه همکاری، بیشتر بر پایه تقابل و گاهاً تضاد بوده است. تحولات داخلی یمن پس از بهار عربی، و نقش پدرخواندگی عربستان برای این کشور به دلیل موقعیت استراتژیک یمن باعث شد تا عربستان سیاست خصمانه در پیش گیرد. متهم نمودن ایران به حمایت از انصارالله یمن، این کشور بحران زده را به میدان رقابت ایران و عربستان تبدیل کرد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که تحولات داخلی یمن چه نقشی در رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای ایران و عربستان دارد؟ فرضیه تحقیق در پاسخ به سؤال این است که تحولات داخلی یمن موجب جهت‌گیری سیاست خارجی تهاجمی عربستان نسبت به ایران شده است. هدف پژوهش بررسی نقش حوثی‌ها در رقابت ایران و عربستان است و روش گردآوری داده‌ها نیز استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عربستان با توجه به چالش‌های پیش رو در منطقه، تغییر رویسیستماتیک تحت عنوان "دکترین سلمان" در سیاست خارجی خود ایجاد کرده است. رقابت ایران و عربستان در میدان یمن در قالب نظریه امنیت منطقه‌ای بری بوزان به عنوان چارچوب نظری تحلیل می‌گردد.

واژگان کلیدی: ایران، تحولات داخلی یمن، حوثی‌ها، رقابت منطقه‌ای، عربستان

۱- گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد بافت، کرمان ایران n.arabshahi@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت b_azhdari944@yahoo.com

۱- مقدمه

محیط آنارشی منطقه خاورمیانه باعث شده تا کشورهای این منطقه در رقابت تنگاتنگ با یکدیگر قرار بگیرند و از هر ابزاری برای پیشی گرفتن از یکدیگر استفاده کنند. در این بین، دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان قرار دارند که به شدت فضای بی‌اعتمادی بر روابط آن‌ها حاکم است و از سوی دیگر هر دو کشور جهت کسب و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود در تلاش هستند؛ به نحوی که این رابطه و رقابت پُر از تنش و کشمکش باعث شده که اصطلاح «جنگ سرد»^۱ برای بیان روابط بین آن‌ها به کار برده شود.

پس از ایجاد یک «هویت جدید» در منطقه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، یک رژیم انقلابی و منتقد نظام سلطنتی در ایران روی کار آمد که این هویت جدید، ایران و عربستان را به مخالف مستقیم یکدیگر تبدیل کرد به نحوی که در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، عربستان تمام قد از عراق حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی کرد. اما سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و روی کار آمدن یک نظام شیعی، موازنه قدرت را در منطقه به نفع ایران تغییر داد. حمایت ایران از گروه‌های جریان مقاومت اسلامی در منطقه بیشتر تضادهای ایدئولوژیک و ژئوپلتیک ایران و عربستان را آشکار ساخت. در فرآیند بهار عربی که از سال ۲۰۱۱ با قیام مردم تونس آغاز شد و به سرعت کشورهای عربی از افریقا و آسیا را در بر گرفت، تحولات یمن تکمیل کننده پازل بود که قدرت ایران را بیش از پیش در منطقه افزایش داد و خشم و نگرانی عربستان را برانگیخت.

یمن به زودی به فضایی تبدیل شد تا دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان، میزان نفوذ و اقتدار خود را به رخ یکدیگر بکشند. یمن از منظر امنیتی، ژئوپلتیکی و سیاسی به واسطه موقعیت راهبردی (تنگه باب المندب) که دارد از دیر هنگام مورد توجه عربستان قرار داشته است. ایران نیز هم به دلیل همین جایگاه راهبردی و موقعیت ایدئولوژیک آن که شامل شیعیان زیدیه می‌شود، تحولات داخلی آن را دنبال می‌کند. روی کار آمدن و تثبیت حکومت حوثی‌ها، نگرانی‌های سیاسی و امنیتی برای ریاض ایجاد کرده است؛ زیرا آنان از لحاظ فکری وابسته به جمهوری اسلامی ایران هستند در نتیجه آل سعود، افزایش نفوذ ایران را در نزدیکی مرز خود

1 - Cold War

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی- اژدری

بر نمی‌تابد. به همین دلیل با تشکیل یک ائتلاف در حمایت از منصور هادی در سال ۲۰۱۵ به یمن حمله کرد؛ اما آرایش نیروهای داخلی انصارالله و حمایت معنوی ایران در مقابل عربستان و متحدان استراتژیک منطقه‌ای آن، منصور هادی و حمایت‌های مادی و معنوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای کفه ترازوی قدرت را به نفع ایران سنگین کرد. تغییر رویکرد سیاست خارجی عربستان از محافظه کار به تهاجمی در راستای دکترین سلمان، ارتباط مستقیم با تغییر حاکمان این کشور داشته است. رقابت ایران و عربستان در میدان یمن همچنان ادامه دارد و هر کدام جهت افزایش نفوذ خود و مهار قدرت دیگری در تکاپو و تلاش می‌باشند. هدف مقاله حاضر بررسی نقش حوثی‌های یمن در رقابت ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰ می‌باشد. پرسش پژوهش این است که قدرت یافتن حوثی‌ها در یمن، چه نقشی در رقابت ایران و عربستان دارد؟ برای پاسخ به این سؤال از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بری بوزان بهره گرفته شده و داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیلی بررسی می‌شود. ایران و عربستان به عنوان دو قطب قدرت در منطقه از الگوهای دوستی و دشمنی متفاوتی بهره می‌گیرند که این الگوها با توجه به سیستم آنارشیک حاکم بر منطقه باعث شده که در هر دوره‌ای رویکردهای متفاوتی از خود بروز دهند که این رویکردها کمتر بر پایه همکاری، بیشتر تقابل و گاه تضاد بوده است.

۲- پیشینه تحقیقاتی پژوهش

در خصوص موضوع مورد بحث به صورت مستقیم عنوانی یافت نشد؛ اما تحقیقات مشابهی تحت عنوان رقابت ایران و عربستان، راهبردهای ایران و عربستان، بحران یمن کتب و مقالات زیادی به قلم نویسندگان علمی و دانشگاهی نگارش شده است که به صورت مختصر بررسی می‌گردد:

- "ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ خاورمیانه" عنوان مقاله ایست که به کوشش آرمینا آرم نوشته شده است. وی ایران و عربستان را به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی که دارند مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای منطقه در خاورمیانه می‌داند و روابط آن‌ها را به چهار دوره تقسیم می‌کند و در نهایت بیان می‌دارد رقابت دو کشور اغلب تحت

- تأثیر اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک بسیار، تشدید می‌شود که در هنگام آشوب ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای دشمنی‌ها افزایش می‌یابد. (آرم، ۱۳۹۵)
- رضا التیامی نیا در مقاله‌ای تحت عنوان "بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و امریکا" بحران یمن را ناشی از نقش آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همانند عربستان سعودی، شورای همکاری خلیج فارس، امریکا و رژیم صهیونیستی می‌داند که در روند شکل‌گیری بحران یمن و تشدید آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند. (التیامی نیا، ۱۳۹۵)
- "جنگ ایران و حوثی‌ها علیه عربستان" که به قلم ست جونز، جرد تامپسون، دانیل نگو، جوزف اس. برمودز جونیور نوشته شده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران و حزب الله لبنان را دارای نقش مهمی در ارائه تسلیحات، فناوری، آموزش و سایر کمک‌ها به حوثی‌ها می‌داند؛ آنها اظهار می‌دارند در مقابل این حمایت‌ها ایالات متحده نیز باید از عربستان حمایت کند. (جونز و همکاران، ۲۰۲۱)^۱
- پاتریک هیدن و الکس کریگر در مقاله "رقابت عربستان و ایران" برآنند که نشان دهند رقابت این دو کشور یک مبارزه ژئوپلیتیکی برای برتری سیاسی، اقتصادی، نظامی و مشروعیت مذهبی است و هر کدام از این دو کشور خود را نماینده جهان اسلام می‌داند. این مقاله بازی با حاصل جمع صفر را بین ایران و عربستان تحلیل می‌نماید. (هیدن و کریگر، ۲۰۱۸)^۲
- "حوثی‌های یمن و گسترش محور مقاومت ایران" که توسط کاترین زیمرمن نوشته شده، حوثی‌های یمن را بخشی از ائتلاف غیررسمی به رهبری ایران یرمی شمارد که به عنوان محور مقاومت شناخته می‌شوند و به طور فزاینده‌ای امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه را تهدید می‌کنند. (زیمرمن، ۲۰۲۲)^۳

1- Thompson, Jones, Ngo, Bermudez Jr

2- Patrick van der Heiden, Alex Krijger

3- Zimmerman Katherine

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰/عربشاهی-اژدری

- کاترین زیمرمن در مقاله "جنگ عربستان در یمن" ابتدا ابعاد و زوایای جنگ عربستان را در یمن مورد بررسی قرار داده و بیان می‌دارد که عربستان در حال حاضر در وضعیت استراتژیک بدتری نسبت به آغاز جنگ در سال ۲۰۱۵ قرار دارد. (زیمرمن، ۲۰۲۲)

- محمد ندیم میرزا، حسین عباس و عرفان حسنین قیصرانی صاحب مقاله ای به نام "منابع ساختاری رقابت و رقابت عربستان و ایران برای حوزه نفوذ" می‌باشند. نویسندگان عربستان و ایران را درگیر رقابت شدیدی در خاورمیانه می‌دانند که به دنبال حفاظت و افزایش حوزه‌های نفوذ خود به ضرر یکدیگر هستند. (ندیم میرزا و همکاران، ۲۰۲۱)^۱

- مقاله "بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران" به قلم گارینه کشیشیان سیرکی و سهیل سهیلی نجف آبادی؛ بحران یمن را زاییده ساختارهای ناکارآمد سیاسی و عدم توزیع عادلانه قدرت و منابع در سطح اجتماعی و دخالت قدرت‌های خارجی از جمله عربستان سعودی، آمریکا، روسیه، انگلیس، اسرائیل، شورای همکاری خلیج فارس، مصر، ایران و... می‌داند. (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸)

مشاهده نگاشته‌های موجود حاکی از کثرت مقالات در ابعاد نزدیک به بحث پژوهش می‌باشد، لکن نگارنده تلاش کرده منحصرأ افزایش چشم‌گیر نقش حوثی‌ها به عنوان یک مصداق مهم و تأثیرگذار در تحولات یمن و جایگاه آنان در رقابت ایران و عربستان را طی یک دوره معین بررسی نماید.

۳- رهیافت نظری پژوهش

در این پژوهش از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. به گفته بوزان حوادثی که در اواخر جنگ سرد در نظام بین الملل به وجود آمده هم ابعاد

¹- Muhammad Nadeem Mirza, Hussain Abbas, Irfan Hasnain Qaisrani

جدیدی از امنیت را مطرح کرده و هم مرجع امنیت از دولت‌ها به سوی جوامع و بازیگران فرا دولتی و فرو دولتی نیز سرایت پیدا کرده است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳)^۱

باری بوزان و آل ویور در کتاب مشترک شان با عنوان "مناطق و قدرت‌ها" که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، مدعی هستند امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست. بنابراین آنها سطح منطقه‌ای را به عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند. به نظر آن‌ها امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده و هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۴)^۲ در کتاب "مردم، دولت‌ها، هراس: دستور کاری برای مطالعه امنیت بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد" که در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۷ نیز بازنگری شده، سخن اصلی اینست که؛ در حالی که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، هویتی، زیست محیطی و نظامی؛ رقابت شدیدی بین دولت‌ها وجود دارد آن‌ها چگونه در پی رهایی از تهدید هستند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

امنیت منطقه‌ای که از جمله مفاهیم محوری مکتب کپنهاگ و مورد تأکید باری بوزان و آل ویور می‌باشد، مجاورت و وابستگی متقابل امنیتی در خوشه‌های منطقه‌ای را بسیار حائز اهمیت می‌پندارد. به عبارتی دیگر به دلیل اهمیت مؤلفه‌هایی نظیر قطب، ساختار آنارشیک، مرزها، باز بودن و ساخت اجتماعی، الگوی رفتاری مجموعه‌های امنیتی در مناطق مختلف و اتخاذ رویه همکاری‌جویانه در میان خود و مقابله با غیر، بیش از پیش برجسته گردیده است. (دهشیری، ۱۳۹۶: ۴۳) بوزان نقطه آغاز مسأله امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار نمایند که از وضعیتی امنیتی شده و الزامات آن پیروی نمایند؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد که این مسائل صرفاً در ذهن‌های بسته وجود داشته باشد، بلکه یک ویژگی اجتماعی است. (عبداله

1-Buzan Barry Gordon

2- Buzan Barry Gordon & Waever Ole

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی - اژدری

خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶) بوزان جهان را به هفت منطقه جداگانه تقسیم کرده و تصریح می‌نماید که هر منطقه فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه بین مناطق، از یکی به دیگری قابل تعمیم نیست. باری بوزان در کتاب «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین الملل (۲۰۰۴)» بیان می‌دارد که با فروپاشی شوروی، نیروی متراکم در بلوک کمونیسم به شش خوشه آسیا، خاورمیانه، اروپا، آفریقا، امریکای شمالی و امریکای جنوبی منتقل شد و بدین ترتیب شش خوشه امنیتی شکل گرفتند که مسائل و تنش‌های شان با همدیگر (در درون خوشه یا منطقه) مشابهت دارد. (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۳) او با دفاع از سطح تحلیل منطقه‌ای، نظریه مجموعه منطقه‌ای امنیت^۱ را بنیان نهاد و طی سال‌های اخیر، مدام از قابلیت توضیح دهنده‌گی آن دفاع کرده است. از نظر بوزان و ویور آینده سیستم بین المللی تابعی از شیوه قدرت در سطوح منطقه‌ای است. بنابراین این مناطق هستند که منظومه قدرت را تشکیل می‌دهند. (یونسیان، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۷) باری بوزان در خصوص اهمیت امنیت در سطح منطقه‌ای معتقد است که بررسی ملاحظات امنیتی کشورها در چارچوب ملی و یا در سطح جهانی نارسا است؛ چرا که از یک سو دولت‌ها در خلأ زندگی نمی‌کنند و با محیط پیرامونی خود در تعامل هستند و از سوی دیگر این منطق که امنیت هر یک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط است، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه چیز فهمید، مطالعه امنیت را به صورت امری غیرواقع‌گرایانه در می‌آورد. در این راستا او برای دستیابی به تحلیلی واقعی‌تر از امنیت منطقه‌ای به روابط مبتنی بر قدرت، الگوی دوستی و دشمنی دولت‌ها را افزود و تئوری مجموعه‌های امنیتی را مطرح کرد. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۴)^۲ در واقع این نظریه ترکیبی از رهیافت‌های مادی‌گرایانه و سازه‌انگاره است؛ چرا که زمانی که ایده‌های مربوط به وضعیت سرزمینی یک کشور و نحوه توزیع قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد، به رهیافت‌های نواقح‌گرایانه نزدیک می‌شود و آن هنگام که به فرآیند امنیتی شدن

^۱-نظریه بافتار منطقه‌ای امنیت ناظر بر مجموعه‌هایی (Complexes) است که یگانه وجه تمایز عینی آن جغرافیاست. این نظریه بوزان شباهت زیادی با نظریه رویاروی تمدن‌های ساموئل هانتینگتون دارد که در سال ۱۹۹۱ مطرح شد. هر دو نظریه جهان را به خوشه‌های گوناگونی تقسیم می‌کنند. اما مفهوم مرکزی تقسیم‌بندی هانتینگتون گسل‌های هویتی (به خصوص فرهنگی) است اما مفهوم مرکزی بوزان برای تقسیم مناطق، جغرافیاست.

^۲-Barry Gordon Buzan & Ole Waever

به عنوان برآیند تعامل بین الادهانی توجه می‌کند، رهیافت‌های سازه‌انگاره پرنگ‌تر می‌شود. (سدیوی، ۲۰۰۴: ۴۶۱)^۱

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای آنارشی‌هایی هستند که از یک سری مؤلفه‌های مشخص برخوردار باشند:

- ❖ وابستگی متقابل امنیتی: منظور از وابستگی متقابل امنیتی آن است که تغییر و تحولات امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد.
 - ❖ الگوهای دوستی و یا دشمنی: عامل اساسی در چارچوب یک مجموعه امنیتی خصوصی یا احساسی تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مؤثر می‌باشد.
 - ❖ مجاورت: مجموعه امنیتی منطقه‌ای ناشی از کنش و واکنش دولت‌های منفرد است و نشان دهنده نگرش هر دولت به محیط خود، مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید می‌آیند.
 - ❖ وجود حداقل دو بازیگر مؤثر: این اصل بیان‌کننده این نکته می‌باشد که یک مجموعه امنیتی را نمی‌توان بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه‌ای تصور کرد.
 - ❖ استقلال نسبی: بر اساس این معیار، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است.
- افزون بر این پنج عنصر، بوزان دو معیار دیگر را نیز تحت عنوان «فرهنگ، نژاد و قومیت» و «اقتصاد» به عنوان ملاک‌های قابل تأمل در خصوص هستی‌شناختی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مطرح می‌نماید. از نظر وی ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و قومی باعث توجه بیشتر کشورها به یکدیگر می‌شود و می‌تواند نقش مهمی در ایجاد سازمان‌های محلی (مانند شورای همکاری خلیج فارس) ایفا نماید. در خصوص معیار اقتصادی نیز بوزان، بر این باور است که عامل اقتصاد در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش دارد و در نتیجه می‌تواند بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مؤثر باشد. (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۷۶)

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

با تکیه بر این چارچوب نظری می‌توان خاورمیانه را یک مجموعه امنیت منطقه‌ای در نظر گرفت؛ بدین شکل که عوامل مختلفی نوعی وابستگی و پیوستگی متقابل امنیتی بین بازیگران و کشورهای منطقه ایجاد کرده و منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از الگوهای دوستی و دشمنی بر روابط حاکم بر کشورهای این حوزه جغرافیایی گردیده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱ موقعیت راهبردی و ژئوپلتیک یمن

جمهوری یمن کشوری در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه جزیره عربستان است. این کشور دارای دو کناره ساحلی مهم است. کناره غربی در کرانه دریای سرخ و کناره جنوبی در کرانه دریای عرب. (علی اکبریان هاوشکی، ۱۳۹۴: ۱۵) یمن پرجمعیت‌ترین کشور شبه جزیره عربستان می‌باشد و پرجمعیت‌ترین ارتش این منطقه را نیز در اختیار دارد. از لحاظ مذهبی حدود ۴۵ درصد جمعیت یمن را شیعیان پیرو مکتب زیدیه تشکیل می‌دهند؛ در حالی که اهل سنت ۵۳ درصد و درصد اندکی هم شیعیان اسماعیلیه می‌باشند. (زارعی، ۱۳۹۵: ۲۷) بر اساس قانون اساسی یمن، اسلام دین رسمی و مبنای همه قوانین است. (رسولی، ۱۳۹۵: ۴۴)

یمن موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد و بسیار چشمگیری دارد که آن را از نظر استراتژیک پراهمیت و فوق استراتژیک ساخته است. با نگاهی به نقشه می‌توان به سادگی نسبت آبراه باب‌المندب، خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند و همچنین شبه جزیره عربستان، غرب آسیا، شمال آفریقا و شاخ آفریقا را فهمید. یمنی که هیچگاه متحد و یکپارچه نبوده (حتی پس از موافقت‌نامه ۱۹۹۰) و عملاً اجتماعی از چندین قبیله بوده است. یمن با دارا بودن خط ساحلی به امتداد بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر، دروازه طبیعی جنوبی و جنوب غربی شبه جزیره عربستان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز می‌باشد. همچنین توجه به تسلط یمن بر خلیج عدن و آبراه باب‌المندب که نقطه اتصال اقیانوس هند با دریای سرخ است بیانگر اهمیت فوق العاده این کشور در جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه است. گفته می‌شود در مثلث طلایی سه تنگه راهبردی هرمز، مالاگا و باب‌المندب بالغ بر دو سوم حمل و نقل دریایی جهان و به

تعبیری اقتصاد جهان جریان دارد. بخصوص اینکه این تنگه‌ها قسمتی از مسیر تجارت انرژی جهانی را تشکیل می‌دهند. (روح الله نجابت، ۱۳۹۳، وبسایت rnejabat.ir)



نقشه شماره ۱: موقعیت راهبردی یمن

۴-۲ مروری تاریخی بر رقابت‌های ایران و عربستان

روابط دو کشور ایران و عربستان در طول تاریخ فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. برخی اشتراکات مانند صدور نفت، موقعیت استراتژیک دو کشور و اسلام زمینه ساز تحولات و مناقشه‌هایی در دوران مختلف بوده است. عربستان کنونی با موقعیت جغرافیایی فعلی در سال ۱۹۱۶ (۱۳۰۴ ه.ش) پا به عرصه وجود گذاشت. این دوران در ایران نیز همزمان با سقوط قاجار و روی کار آمدن رضاخان بود. در یک دسته بندی کلی روابط ایران و عربستان را می‌توان به قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم کرد که البته هر دوره فراز و نشیب‌های خاص خود را داشته است.

۴-۲-۱ روابط ایران و عربستان قبل از انقلاب اسلامی

در واقع ایران و عربستان دو قدرت بزرگ منطقه خاورمیانه و خلیج فارس هستند که بررسی روابط این کشورها و نقش آنها در تحولات و رویدادهای این منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است. (اختیاری، ۶۸:۲۰۱۳) در ابتدای قرن چهاردهم هجری شمسی دو حکومت جدید در دو کشور مهم منطقه خلیج فارس بوجود آمدند؛ به طوری که گاهی بخاطر مسائل منطقه‌ای، فرهنگی، مذهبی و سیاسی در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند که حتی به قطع رابطه نیز منجر شده است و گاهی به علت منافع مشترک و تأمین امنیت و روبرویی با چالش‌های منطقه‌ای ناگزیر

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

به کنار گذاشتن اختلافات فرهنگی، مذهبی و سیاسی شدند و با یکدیگر متحد گشتند. (موسوی دهموردی، ۱۳۹۵: ۷۳) ایجاد یک وضعیت امنیتی شده در منطقه به اقتضای شرایط، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی جهت رهایی از تهدید می‌نماید.

شکل‌گیری اولیه اختلافات ایران و عربستان به بروز وقایعی مانند تصرف مدینه و همچنین تخریب بقیع و اماکن مورد احترام ایرانیان در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ (شهریور ۱۳۰۷-۱۳۰۳) باز می‌گردد، اما در طول زمان این مسائل رنگ باخته و منازعه اصلی بین دو کشور به تحریک احساسات مذهبی مردم و تشدید تضاد جبهه سازی شیعه و سنی مربوط می‌شود که در نهایت با دخالت برخی کشورهای خارجی از جمله بریتانیا، ایران مجبور شد تا در ۲ اسفند ۱۳۰۸ (۲۱ فوریه ۱۹۳۰) عربستان را به رسمیت بشناسد و عهدنامه مودت نیز به امضا رسید که باعث برقراری روابط دیپلماتیک و گسترش ارتباطات فرهنگی بین دو کشور گردید. (اخلاصی، ۲۰۲۱، وبسایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح) با شروع حکومت محمدرضا پهلوی و قتل یکی از زائران ایرانی در مکه مجدداً روابط این دو کشور تیره شد که با مکاتبه رسمی مقامات سعودی و عذرخواهی از دولت و ملت ایران روابط برقرار گشت. از اواسط حکومت محمدرضا پهلوی "دکترین نیکسون-کسینجر" مبنای تنظیم روابط گردید که بر اساس آن ایران به عنوان ستون سیاسی، نظامی و امنیتی و عربستان نیز به عنوان رکن اقتصادی و مالی در منطقه شناخته شد؛ از طرفی نیز ایجاد ترس از نفوذ کمونیسم و شوروی باعث شد دو کشور علی‌رغم داشتن رقابت‌های دیرینه و طولانی به تعامل با یکدیگر پرداخته و از تنش اجتناب نمایند که این سیاست تا پیروزی انقلاب اسلامی دوام آورد. (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۷)

۲-۲-۴ روابط ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی دو دولت قدرتمند رقیب در خاورمیانه هستند که روابط پیچیده شان موضوع بسیاری از مباحث آکادمیک بوده است. (خیمنز، ۲۰۱۸: ۲۹۵) رقابت‌ها و اختلافات ایران و عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رنگ و بوی تازه‌ای پیدا کرد چرا که حکومت جدید در ایران داعیه گسترش انقلاب خود و صدور آن به سایر کشورهای مسلمان و جهان سوم را داشت و حکومت عربستان نیز که تا

قبل از این خود را مهد اسلام و برادر بزرگتر سایر کشورهای عرب و مسلمان می‌دانست با رقیب جدید و سرسختی مواجه گردید که پس از بیرون آمدن از مشکلات دهه اول انقلاب و گسترش قدرت و نفوذش در سطح منطقه، به یک قدرت مهم منطقه‌ای بدل شده که می‌توانست قدرت و نفوذ عربستان در خاورمیانه، خلیج فارس و جهان عرب را به چالش بکشد (دهموردی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۳) ایران و عربستان با سیاسی کردن مذهب این گزاره را به یک پروژه امنیتی جهت بهره‌برداری سیاسی و فرهنگی در منطقه تبدیل کردند.

حاکمیت ارزش‌های انقلابی، گرایش به آرمان‌های اسلامی، استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان، پشتیبانی از مستضعفان، آرمان‌گرایی و ... از اصولی بودند که روندهای سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار دادند. (نجاتی، ۱۳۹۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) عربستان نیز با ساختار سیاسی خاص خود همراه با آموزه‌های به شدت سنی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی، در قالب وهابیت جامعه منحصر به فردی دارد؛ (رحمانیان، ۱۳۹۴: ۱۲۲) و همچنین با وجود ذخایر نفتی خود برای قدرت‌های بزرگ اهمیت بسیاری دارد. به طور کلی عربستان سعی داشت خلأ ایجاد شده در سیاست دو ستونی نیکسون در منطقه، را پر کند. صادق شفیعی از دو دسته عوامل اساسی و فرعی در تیرگی روابط ایران و عربستان در دهه نخست انقلاب نام می‌برد؛ دسته اول عوامل اساسی یا چالش برانگیز عبارتند از: ۱- پیروزی انقلاب اسلامی و ترس از صدور آن ۲- ماهیت ایدئولوژیکی و فرهنگی دو کشور ۳- رقابت در بلوک قدرت و شیوه تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای. دسته دوم عوامل فرعی یا تنش‌زا شامل: ۱- جنگ تحمیلی ۲- حج ابراهیمی ۳- مسأله فلسطین ۴- ژئوپلتیک نفت خلیج فارس ۵- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ... (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱)

پس از جنگ و حمایت‌های مالی عربستان از رژیم صدام، در دوره ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی اقداماتی جهت اعتماد سازی و تنش زدایی انجام شد. سخنرانی آقای هاشمی در مراسم افتتاحیه همایش گفتگوی مذاهب که به میزبانی عربستان برگزار شده بود تأثیر به‌سزایی در تبیین نقش ایران و جایگاه شیعه داشت. (تفضلی، ۱۴۰۱، وبسایت مرکز مطالعات خلیج فارس) بعد از روی کار آمدن دولت اصلاحات نیز این رویه ادامه پیدا کرد و روابط دوجانبه بیش از گذشته بهبود یافت که البته این دوران بدون چالش هم طی نشد. در سال

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

۲۰۰۳م با حمله امریکا به عراق، تنش در روابط دوجانبه ایران و عربستان وارد فاز جدیدی شد. عربستان در صدد بود تا قدرت در دست سنی‌ها قرار بگیرد که شرایط به گونه‌ای پیش رفت که انتظارات آن محقق نشد. (جلال پور و جعفری، ۱۳۹۷: ۱۰-۹) مسأله سوریه نیز یکی از مسائل مهم مناقشه آمیز در این دوره بود. اساساً سیاست عربستان در منطقه حمایت از سنی‌های منطقه بوده و همواره تلاش داشته و دارد هر کجا اپوزیسیون همفکرش باشند بر مسند قدرت باقی بمانند یا به حکومت برسند که در سوریه و سایر کشورهای عربی که بهار عربی در آن‌ها اتفاق افتاد عربستان همین سیاست را دنبال کرده است.

در دولت احمدی نژاد به مرور تنش‌های دوجانبه به مرحله وخیم تری وارد شد اما پس از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ امید به بهبود روابط دو کشور بیشتر شد. پادشاه وقت عربستان از اولین رهبران سیاسی بود که انتخاب روحانی را تبریک گفت؛ روحانی نیز ابراز امیدواری کرد که ایران و عربستان با کمک یگدیگر بتوانند ثبات را به خاورمیانه بازگردانند، اما اتفاقاتی از جمله فاجعه منا در سال ۱۳۹۴، حمله به سفارت عربستان و ... باعث قطع روابط دیپلماتیک دو کشور گردید. باید گفت بزرگترین اختلاف بین ایران و عربستان مسأله ایدئولوژیکی است که حل آن به نظر آسان نمی‌آید زیرا هر دو کشور دیگری را "تهدیدی" علیه خود و منافع خود می‌داند اما به نظر می‌رسد زمانی که منطقه وارد چالش و بحران می‌شود بر این اختلافات افزوده و برعکس زمانی که منطقه در یک آرامش نسبی به سر می‌برد از اختلافات کاسته می‌گردد و روابط وارد عرصه همکاری و تنش زدایی می‌شود. از جایی که امنیت امری ذهنی است تصمیم‌سازان می‌توانند به هر پدیده‌ای از جمله مذهب رنگ و بوی امنیتی بدهند و سایر اعضای مجموعه را وادار کنند تا از این وضعیت پیروی نمایند

۳-۴ مهم‌ترین تحولات یمن در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰

کشور یمن از دوره امامان زیدی که خود را منتسب به زید بن علی می‌دانند تا کنون بحران‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. از سال ۲۸۰ ق که یکی از نوادگان قاسم رسی پایه گذار حکومتی مستقل به نام زیدیه شد تا دوران معاصر، یمن و به ویژه بخش‌های شمالی آن به پایگاه سنتی زیدیه تبدیل شد. در فاصله سال‌های جنگ جهانی اول و دوم یمن دچار تحولات

سیاسی، اجتماعی شد که منجر به انقلابی داخلی علیه حکومت زیدیه شد؛ اما انقلابیون به زودی مغلوب شدند. تحولات سریع منطقه‌ای و جهانی به تدریج توان مقابله در برابر موج‌های جدید جمهوری خواهی و تجددطلبی را از امامان زیدی گرفت و در سال ۱۹۶۲م در کودتایی نظامی حکومت امامان زیدیه سقوط کرد و قدرت به دست جمهوری خواهان افتاد. (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۹۵) در سال ۱۹۷۸ علی عبدالله صالح ریاست جمهوری یمن شمالی را به عهده گرفت. او با انجام مذاکراتی در سال ۱۹۹۰ دو یمن شمالی و جنوبی را با هم متحد کرد و به عنوان رئیس جمهور یمن متحد شناخته شد. اما فقر زیاد، نبود دموکراسی، فساد گسترده مقامات حکومت، شکاف گسترده میان مردم و حکومت باعث شد یمن نیز مانند اغلب کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ م اعتراضات گسترده‌ای را علیه حکومت انجام دهد. (علی اکبریان هاوشکی، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۱)

کشور یمن از سال ۲۰۰۲ به بعد با پیدایش جریان حوثی‌ها تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. تمرکز قدرت در دست صالح، حوثی‌ها را بر آن داشت تا ابتدا فعالیت‌های اجتماعی و سپس فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود را علیه دولت مرکزی گسترش دهند، بنابراین از سال ۲۰۱۰-۲۰۰۴ حدود شش بر خورد نظامی را با دولت انجام دادند. با کنارگیری صالح و افزایش نقش حوثی‌ها در حکومت و اداره یمن، این کشور وارد مرحله جدیدی از وقایع و رخدادها گردید. استعفای منصور هادی و فرار او به عدن که پس از صالح عهده دار حکومت یمن شده بود باعث شد عربستان به بهانه حمایت از هادی دست به مداخله نظامی در یمن بزند. عربستان یمن را به عنوان منافع حیاتی خود در نظر می‌گیرد و نمی‌خواهد این کشور در چالش امنیتی قرار گیرد و به آسانی از دست برود. (هویدین، ۲۰۱۵: ۷۶) طبق نظریه مجموعه امنیتی با اینکه هر یک از دو قدرت مؤثر یک مجموعه امنیتی باید از یک استقلال نسبی برخوردار باشند اما افزایش نفوذ و قدرت یکی از واحدها می‌تواند تأثیر منفی بر روی واحد دیگر داشته باشد؛ قدرت یافتن حوثی‌ها در یمن که متأثر از اندیشه‌های امام و انقلاب ایران هستند، باعث هراس عربستان از افزایش نفوذ ایران در مجاورت مرزهای خود شد و یک چالش بزرگ امنیتی برای آن‌ها ایجاد کرد. ظهور حوثی‌ها به عنوان یک پدیده امنیتی جدید در منطقه، که در تحولات

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰/عربشاهی-اژدری

داخلی یمن نقش بسزایی داشته و از طرفی کفه ترازوی قدرت را به نفع ایران سنگین کرده؛ را می‌توان به این صورت دسته بندی کرد:

❖ سال ۲۰۰۲ بدرالدین حوثی پس از برگشت از ایران و آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی و انقلاب اسلامی اقدام به تأسیس گروه شباب المؤمن کرد که این گروه ابتدا آموزشی و سپس نقش قابل توجهی در جنبش انصارالله به عهده گرفت.

❖ سال ۲۰۰۴ حوثی‌ها از انزوا و سکوت در آمده و با دولت وقت یمن وارد درگیری نظامی شدند. آن‌ها خواستار ایجاد عدالت و در پی تحقق خواسته‌های عموم مردم یمن برآمدند.

❖ سال ۲۰۱۱ همزمان با جنبش‌های بهار عربی در بسیاری از کشورهای عربی، مردم یمن نیز موج شدیدی از اعتراضات را علیه حکومت وقت آغاز کردند که به موج اول انقلاب یمن معروف است اما موج دوم در جهت تکمیل انقلاب یمن به رهبری حوثی‌ها شکل گرفت که در سال ۲۰۱۲ منجر به کناره گیری صالح از قدرت شد.

❖ سال ۲۰۱۴ با تصرف صنعا و برخی مراکز دولتی عملاً پایتخت سقوط کرد و بدست حوثی‌ها افتاد.

متعاقب بهار عربی، جریان‌های مختلفی در مناطق گوناگون یمن قدرت گرفتند. در برخی مناطق مانند صنعا، حوثی‌ها حضور دارند و مناطق دیگر مانند عدن در کنترل طرفداران منصور هادی است و جنگ داخلی کشور را فرا گرفته است. برخی مناطق هم توسط قبایل و یا جریان‌های القاعده و تکفیری کنترل می‌شود. گذشته از این‌ها عملیات عربستان و متحدانش نیز اوضاع را پیچیده‌تر ساخته است. ناامنی در این کشور کوچک به این دلیل دارای اهمیت است که این کشور عربی برای قدرت‌های منطقه‌ای به ویژه عربستان و تا حدودی ایران و همچنین قدرت‌های فرامنطقه‌ای، راهبردی تلقی می‌شود. عربستان همواره به دلایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی نگاه ویژه‌ای به تحولات یمن داشته است؛ ایران هم با توجه به جایگاه راهبردی یمن در خاورمیانه و بافت جمعیتی آن (شیعیان زیدیه) تحولات سیاسی این کشور عربی را از نزدیک دنبال می‌کند. (نیاکویی و اعجازی، ۱۳۹۵: ۴۰)

بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این گونه تعریف می‌کند: «یک دسته از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم - که تضمین می‌کند اعضاء دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند - توصیف می‌کند، یک گروه از کشورها که نگرانی‌های اولیه و اصلی آنها به اندازه‌ای به هم وابسته است که در واقع تصور امنیت ملی آنها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست. (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۶) ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای مهم و مؤثر که سالهاست الگوهای دوستی و دشمنی متفاوتی بین آنها برقرار بوده و طیفی از دوستی تا انتظار حمایت و یا طیفی از دشمنی و خصومت‌های آشکار و در کمترین مقدار سوءظن را شامل می‌شود؛ و هرگونه تغییر و تحول منطقه‌ای را به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر امنیت خود مؤثر می‌دانند، به عنوان دو بازیگر مهم در این مجموعه امنیتی ایفای نقش می‌کنند.

در حال حاضر تحولات یمن با زیدیه پیوند خورده است، به گونه‌ای که در تحولات چند سال قبل که صالح از کار برکنار شد و هادی فرار کرد زیدی‌ها (انصارالله) نقش فعالی را در این کشور ایفا کرده‌اند. (نوبختی، ۱۳۶۸: ۵۵) در یمن از سال ۲۰۱۰ به بعد روابط پیچیده‌ای در جریان است که نه کناره‌گیری صالح از حکومت توانست فضای ملتهب این کشور بحران زده را آرام کند و نه روی کار آمدن حوثی‌ها و سهیم شدن آنان در قدرت توانست انقلاب مردم یمن را با موفقیت روبرو سازد و نه تهاجم نظامی عربستان با کمک حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای اش توانست شرایط را به نفع مردم یمن تغییر دهد. همه این تحولات و رویدادها به دلیل عدم اتحاد و ائتلاف گروه‌ها و احزابی هستند که خواستار شریک شدن در اداره این کشور می‌باشند و بعد از سال‌ها هنوز نتوانسته‌اند به یک منشور واحد برای اداره یمن دست یابند. (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

۴-۴ جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان علیه نفوذ ایران در یمن

پس از شکل‌گیری بهار عربی، گسترش قدرت حوثی‌ها به عنوان معترض به ساختار سیاسی دولت، ریاض را نسبت به تحولات داخلی یمن حساس‌تر کرد؛ زیرا عربستان را در جنگ غیرمستقیم با ایران که ادعا می‌شد از شیعیان یمن حمایت می‌کند، قرار داد. از این رو عربستان با اینکه بارها اعلام کرده که در پاسخ به درخواست رئیس‌جمهور قانونی یمن، از موضع دولت این کشور حمایت می‌کند اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که یمن را به مسئله استراتژیک

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

برای ریاض تبدیل کرده، موضع ایران در قبال تحولات یمن بود. اشتراکات مذهبی حوثی‌ها با ایران، شائبه رقابت مذهبی را برای عربستان و سایر کشورهای متحد با آن ایجاد کرده است؛ از این رو باید گفت که مهم‌ترین عامل اجماع کشورهای عربی و وحدت موضع در مورد تحولات یمن، نه حمایت از رئیس‌جمهور قانونی که از سوی این ائتلاف ادعا می‌شود، بلکه هم‌اوردی با ایران به عنوان رقیبی مذهبی و ژئوپلیتیکی است. (احمدی، ۱۳۹۴: ۸۰)

تحلیل سیاست خارجی عربستان پس از انقلاب‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که عربستان برای حفظ نظم منطقه‌ای تنها ناظر تحولات نبوده بلکه این کشور برای حفظ ساختارهای منطقه‌ای کوشید تا با حضور تمام قد، بر روی مؤلفه‌های تأثیرگذار در این انقلاب‌ها اثر بگذارد، پس سیاست خارجی عربستان از یک سو محافظه‌کارانه است زیرا تمایل به حفظ وضع موجود دارد و از سوی دیگر تهاجمی هم هست زیرا تلاش دارد تا با بکارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی فضای انقلاب‌های منطقه‌ای را به نفع خود مدیریت کند. (مدنی و هواسی، ۱۳۹۳: ۶۵)

عربستان سعودی به دنبال سقوط متحدین خود به هیچ وجه نمی‌تواند سقوط یکی دیگر از حکومت‌های سنی در سطح منطقه را تحمل کند. در نتیجه بر خلاف سیاست سنتی و میانه رو خود از تمامی ابزارهای موجود حتی توسل به نیروهای امنیتی - نظامی استفاده می‌کند تا مانع از تغییر بیشتر شرایط به ضرر خود شود. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

حمله هوایی عربستان به یمن با عنوان طوفان قاطعیت را می‌توان نقطه عطفی در رویکرد جدید سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان دانست، رویکردی که عربستان به عنوان بازیگری با یک نظام پادشاهی غیردموکراتیک در خاورمیانه در مواجهه با تغییرات دموکراتیک در پیش گرفت و تا قبل از موضوع یمن، در بحرین به آشکارترین شکل نمایان ساخت. انقلاب‌های عربی از اواخر سال ۲۰۱۰ دو تهدید اساسی را متوجه نظام سیاسی عربستان کرد: تهدید اول سرنگونی متحدان منطقه‌ای ریاض بود که این مسأله بر معادلات توازن قدرت منطقه‌ای، تأثیرات قابل توجهی داشت. تهدید دوم هراس نظام سیاسی محافظه کار و سنتی عربستان از تغییرات انقلابی، مدرن و مردم‌سالار منطقه بود. (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۴) این پارامترها در کنار عوامل دیگر به صورت آرام باعث شد عربستان که خود را در تنگنای یک پدیده امنیتی شده

می‌دید؛ به سوی به کار گرفتن یک رویکرد جدید در سیاست خارجی خود پیش برد که بر خلاف رویه قبلی رویکردی غیرمحافظة کارانه و ماجراجویانه بود. عربستان با خوانشی فرقه‌ای در لعاب مداخله ایران در جهان عرب، تغییرات مردم سالارانه در منطقه را به کارزار جنگ سردی تبدیل کرد تا به سه هدف خود برسد:

- نخست توازن قدرت منطقه‌ای را با جنگ نیابتی دوستان تکفیری خود در سوریه، لبنان و عراق علیه ایران بر هم زند
- دوم مانع از سقوط متحدان منطقه‌ای خود همچون بحرین و یمن به تبع گسترش نفوذ بازیگران رقیب شود
- و سوم این که تهدید تغییرات انقلابی در منطقه را از ریاض دور کند.

این جنگ در واقع اقدامی ناگزیر برای حفظ نظام امنیتی رژیم‌های دیکتاتور عربی در سطح منطقه است و معنای واقعی آن این است که عربستان برای نجات امنیت خود باید به یک کشور خارجی حمله کند و از آنجا که این توانمندی در این رژیم وجود ندارد؛ به همین دلیل آل سعود به دنبال این است که در پناه یک پیکره نظامی جدید تحت عنوان ارتش مشترک یا نیروهای مشترک عربی پنهان شود و امنیت خود را از ورای آن جستجو کند. از طرف دیگر عربستان معتقد بود که اگر به یمن حمله نکند آنها سه استان اسماعیلیه و زیدی‌نشین جنوب عربستان را از دست خواهند داد؛ سه استانی که در واقع با یک ترفند سیاسی حاکمیت آن از یمن سلب شده و از مناطق مهم ژئوپلیتیکی و اقتصادی و امنیتی آن می‌باشد، به یمن باز خواهد گشت که در نهایت به این معناست که رژیم عربستان با تجزیه سرزمینی مواجه می‌شد. بنابراین آل سعود تلاش کرده خودش را اولاً در پناه یک پدیده نیروی مشترک عربی قرار دهد و دوم اینکه از این تجزیه و واگرایی پیشگیری نماید. (محمدی، ۱۳۹۴: وبسایت مشرق نیوز)

برخی از تحلیل‌گران جنگ در یمن را نوعی «جنگ سرد»^۱ میان عربستان و ایران به عنوان دو قطب قدرت در منطقه دانسته‌اند؛ به این دلیل که حمله عربستان به یمن بیش از همه در مخالفت و مقابله با قدرت‌گیری انصارالله یمن که جنبشی شیعی در یمن است صورت گرفته و ادعا می‌کند که توسط جمهوری اسلامی ایران هدایت و حمایت می‌شود. (سالیسبوری، ۲۰۱۵: ۱۰)

^۱ - Cold War

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

عربستان به یک‌باره با تغییر تاکتیک خود از تدافعی به تهاجمی که خود محصول علل گوناگون در عرصه سیاسی این کشور (از جمله تغییر حکومت) می‌باشد، قصد داشت اعتبار از دست رفته خود را در سطح منطقه و صحنه بین‌الملل، برگرداند و غرور جریحه دار شده خود را به دلیل شکست سیاست‌های خود در منطقه پس از بهار عربی، ترمیم و بازسازی نماید. در مقابل جمهوری اسلامی ایران به صورت غیرمستقیم توانسته خود را به شیعیان و انصارالله نزدیک کند و در واقع پیروزی حوثی‌ها در یمن، پیروزی غیرمستقیم ایران و شکست استراتژیک عربستان سعودی می‌باشد. پس از شکست سیاست‌های عربستان در بحران‌های عراق، سوریه، بحرین، لبنان و ... حمله نظامی به یمن نه تنها نتوانست جایگاه عربستان را در منطقه تثبیت کند بلکه باعث از دست دادن بسیاری از منابع و از بین رفتن زیرساخت‌های دو طرف (عربستان کمتر و یمن بیشتر) گردید. اما به راستی که حمله کشوری با پشتوانه مادی و معنوی، تسلیحاتی و تجهیزات پیشرفته غرب به فقیرترین کشور شبه جزیره خسارتی بزرگی برای آن کشور به دنبال داشته و دارد. به طور کلی مهم‌ترین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی عربستان در قبال تحولات سیاسی یمن، بر مبنای محورهای زیر استوار بوده است:

- ❖ عدم شکل‌گیری دموکراسی در یمن
 - ❖ جلوگیری از سرعت یافتن تحولات و تلاش برای مدیریت و کنترل آن
 - ❖ حفظ ساختار حکومت یمن و تلاش برای به قدرت رساندن افراد و جریانات وابسته
 - ❖ کاهش نفوذ شیعیان حوثی و جریانات نزدیک به ایران (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۲)
- عربستان برای نخستین بار استفاده از جنگ‌های نیابتی را کنار گذاشت و به شکل مستقیم ارتش خود را وارد جنگ کرد. از این رو مداخله‌گرایی مستقیم را به شکل اساسی وارد سیاست خارجی ریاض کرد؛ جنبه دیگر در سیاست خارجی جدید عربستان این است که مورد یمن نشان می‌دهد که عربستان به دنبال بازتعریف مرزهای سیاسی خاورمیانه عربی و به تبع آن نظم منطقه‌ای مطلوب خود است، موضوعی که امریکایی‌ها در طول دوران جنگ سرد در قالب‌هایی همچون طرح خاورمیانه بزرگ و ... ناکام مانده‌اند. مداخله نظامی عربستان و متحدین عرب آن در یمن، بحران یمن را شدت بخشید، پیچیده‌تر ساخت و وارد مرحله کاملاً متفاوت

و جدیدی کرد. در حالی که دولت سعودی در طول دهه‌های گذشته به در پیش گرفتن سیاست خارجی محتاطانه و محافظه کارانه مشهود بوده است، حمله نظامی این کشور به یمن در پرتو حاکم شدن رهبران جوانی مانند محمد بن نایف و محمد بن سلمان موجی از پرسش‌ها و تحلیل‌ها را در این مورد پدید آورد. (نجات و همکاران، ۱۳۹۵:۱۵۵)

۵- نتیجه گیری

در این نوشتار به رقابت جاری قدرت بین ایران و عربستان که در تلاش برای تأثیرگذاری حداکثری بر معادلات منطقه‌ای می‌باشند، با تأکید بر تحولات کنونی بالاصح ظهور حوثی‌ها در چرخه قدرت در یمن پرداخته شد. با توجه به اینکه شناخت مسائل و وقایع جهان بین الملل چارچوب نظری متناسب با آن پدیده را می‌طلبد، در این پژوهش از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بری بوزان، جهت تحلیل و بررسی رقابت ایران و عربستان طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰ بهره گرفته شده است. ایران و عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وارد دنیای عظیمی از اختلافات ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و چالش برای کسب بالاترین جایگاه در خاورمیانه شدند؛ این رابطه در قالب رقابت نیابتی نمود پیدا کرد و طی تحولات بهار عربی آشکارتر گشت. تحولات و وقایع یمن نیز چشم‌انداز ملموس‌تری به رقابت راهبردی دو کشور بخشید. یمن به عنوان حیات خلوت عربستان جایگاه ویژه و راهبردی برای این کشور دارد و همچنین برای ایران نیز موقعیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی یمن (به جهت شیعیان زیدی) دارای اهمیت بسیاری است به همین دلیل این کشور از تحولات یمن دور نماند و به حمایت از انصارالله برخاست که وضعیتی امنیتی شده را برای عربستان ایجاد کرد؛ زیرا این کشور معتقد است قدرت‌یابی شیعیان می‌تواند چالش امنیتی و ایدئولوژیکی برای آن، به دنبال داشته باشد؛ به همین دلیل رویکرد تهاجمی را به عنوان کلید استراتژیکی برگزید. از آنجا که در یک مجموعه امنیت منطقه‌ای، امنیت کشورها به یکدیگر وابسته است، ایران و عربستان ناچار به موضع گیری در قبال بحران یمن شدند. گزاره‌هایی همچون تبار تاریخی، موقعیت جغرافیایی، تحول امور و پویایی، یمن را به گزینه‌ای امنیتی شده برای دو رقیب دیرینه تبدیل کرد و آنان را در کش و قوس افزایش قدرت درگیر نمود. دستاوردهای انصارالله یمن در حملات موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی آرامکو و دیگر مراکز استراتژیک و نظامی عربستان و ادعای آل

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی-اژدری

سعود مبنی بر دست داشتن ایران در این حملات، رقابت دو کشور را تشدید کرده و هر دو تلاش در جهت مهار نفوذ یکدیگر در این میدان دارند. آورده پژوهش حاضر، حاکی از اتخاذ رویکرد تهاجمی عربستان نسبت به رقیب دیرینه خود در منطقه است. میانجیگری چین در سال ۱۴۰۱ش فرصتی را برای دو کشور فراهم ساخت تا بتوانند با رویکردی مسالمت آمیز به حل و فصل منازعات فی مابین پرداخته و از شدت تعارضات این مجموعه امنیتی بکاهند.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

منابع

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۸۷) "روابط ایران و عربستان در سده بیستم (دوره پهلوی)"، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲) "تأثیر جهانی انقلاب ایران"، ترجمه مدیر شانه‌چی، تهران، انتشارات مرکز اسلام و ایران.
- ۳- بوزان، بری؛ ویور، آل (۱۳۸۸) "مناطق و قدرت‌ها"، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- بوزان، بری (۱۳۷۸) "مردم-دولت‌ها و هراس"، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- رحمانیان، حسین (۱۳۹۴) "عربستان سعودی"، تهران، اداره نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۶- رسولی، معین (۱۳۹۵) "انقلاب یمن"، جلد اول، انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۷- طباطبائی فر، محمد (۱۳۹۶) "حوثی‌های یمن"، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۸- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲) "نظریه‌های امنیت"، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۹- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳) "نظریه‌های امنیت؛ مقدمه ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی"، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۰- علی اکبریان هاوشکی، مصطفی (۱۳۹۴) "یمن؛ تاریخ، جامعه و سیاست"، شیراز، انتشارات ارم.
- ۱۱- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷) "آشنایی با فرق تشیع"، انتشارات حوزه علمیه قم.
- ۱۲- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۶۸) "فرق الشیعه"، چاپ سوم، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۳- آرم، آرمینا (۱۳۹۵) ایران و عربستان؛ رقابت بر سر نفوذ خاورمیانه، فصلنامه سیاست، شماره ۹، سال ۳، ۸۱-۷۳.
- ۱۴- احمدی، وحیده (۱۳۹۴) تجاوز عربستان به یمن: اهداف و چشم انداز، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۳۷، فروردین و اردیبهشت، ۸۸-۷۹.
- ۱۵- اسلامی، روح‌الله؛ امانی کیکانلو، فریده (۱۴۰۲) بازنمایی امر منازعه در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۷-۱۳۹۲)، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۲، ۵۳-۳۲.
- ۱۶- التیامی‌نیا، رضا؛ باقری دولت‌آبادی، نیکفر (۱۳۹۵) بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و امریکا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۹۸-۱۷۱.
- ۱۷- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸) عربستان و رویای تسلط بر یمن، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۷، ۶۹-۳۷.

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی - اژدری

- ۱۸- جلال پور، شیوا؛ جعفری، ابوطالب (۱۳۹۷) روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تأکید بر تحولات سوریه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴۴، بهار، ۱۰۴-۸۳
- ۱۹- حسینی مقدم، ناهید و یوسفی، بهرام (۱۳۹۶) راهبرد عربستان سعودی در قبال بحران یمن ۲۰۱۵-۲۰۱۰، مجله بین‌المللی پژوهش، دوره ۳، شماره ۲۵، ۱۰۳-۷۹.
- ۲۰- خواجه سروی، غلامرضا و شهرکی، حامد (۱۳۹۱) انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ۲۲۰-۱۸۵.
- ۲۱- دهشیری، محمدرضا؛ حسینی، محمدحسین، شیراوند، حسینی (۱۳۹۶) تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۱، ۷۸-۴۳.
- ۲۲- ساعی، احمد؛ علیخانی، مهدی (۱۳۹۲) بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۹، شماره ۲۲، ۱۲۹-۱۰۳.
- ۲۳- شفیعی، صادق، منتظرالقائم، چلونگر (۱۳۹۶) واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، بهار، ۲۲-۱.
- ۲۴- شیرخانی، علی؛ ترکی، هادی (۱۳۹۶) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۰، پاییز، ۹۸-۷۹.
- ۲۵- کورانی، محمد (۱۳۸۸) کودتای نافرجام در یمن، ماهنامه موعود، سال ۱۴، شماره ۱۰۸، بهمن، ۴۱-۳۸.
- ۲۶- مدنی، مهدی و هواسی، حسین (۱۳۹۳) رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۹، ۸۰-۶۳.
- ۲۷- موسوی دهموردی، سید محمد (۱۳۹۵) تاریخچه روابط ایران و عربستان سعودی از زمان رضاشاه تا کنون (چرخه رقابت و تقابل)، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره ۹، ۹۳-۷۱.
- ۲۸- میرزایی، جلال؛ حمایتیان، احسان، خواجهویی (۱۳۹۳) تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲، ۱۷۹-۱۵۱.
- ۲۹- نجات، سید علی، موسوی و صارمی (۱۳۹۵) راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۳، بهار، ۱۳۷-۱۷۹.
- ۳۰- نصیری، قدیر (۱۳۹۰) تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، زمستان، ۱۳۴-۱۰۵.
- ۳۱- نیاکویی، امیر و اعجازی، احسان (۱۳۹۵) واکاوی بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، شماره ۲۸، پاییز، ۶۲-۳۹.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

- ۳۲- هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰) امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و ساز و کارها، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱، ۱۶۷-۱۳۶.
- ۳۳- همتی، مرتضی؛ ابراهیمی، شهرزاد، گودرزی (۱۳۹۹) سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۱، بهار، ۱۲۴-۱۰۷.
- ۳۴- یونسین، مجید (۱۳۸۴) روابط تجاری شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا؛ دو سوی یک معامله؟، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- ۳۵- اخلاصی، ابراهیم (۲۰۲۱) ایران و عربستان؛ یک قرن رقابت و خصومت، آنلاین، <https://peace-1401/4/17.ipsc.org/fa>.
- ۳۶- تفضلی، میلاد (بی‌تا) بررسی روابط سیاسی ایران و عربستان طی سه دهه از انقلاب اسلامی، آنلاین، www.persiangulfstudies.com، ۱۴۰۱/۱/۲۴.
- ۳۷- محمدی، هادی (۱۳۹۴)، آنلاین، <https://www.mashreghnews.ir/archive>، ۱۴۰۰/۱۲/۹.
- ۳۸- نجابت، روح الله (۱۳۹۳) یمن کشوری با موقعیت فوق استراتژیک، آنلاین، www.rnejabat.ir، ۱۴۰۰/۳/۱۵.
- ۳۹- نجابتی، حمزه (۱۳۹۴) تأثیر انقلاب اسلامی بر عربستان سعودی، آنلاین، www.ensani.ir، ۱۴۰۱/۳/۱.
- 40- Antepazo, Ana Bele'n (2015) Saudi Arabia: A Regional Power Facing Increasing Challenges, Documento de Opiniòn, Institute Espanol de Estudios Estrategioos, 1-10.
- 41- Ekhtiari, A.R, Hasnitab, Gholipour (2013). "The Hajj and Iran' s foreign Policy towards Saudi Arabia", Journal of Asian and African Studies, 46 (678).
- 42- Gimenez cerioli, Luiza (2018) Roles and International Behaviour: Saudi - Iranian Rivaalry in Bahrain and yemen Arab Spring, Contexto Internacional, Vol 40 (2) May – Aug.
- 43- Heiden, van der, Patrick & Krijger, Alex (2018) The Saudi-Iranian rivalry, Atlantisch Perspectief, N 2. 11-15.
- 44- Huwaidin, Mohamed Bin (2015) The Security Dilemma in saudi - Iranian Relations, Review of History and Political Science, Vol 3. No 2. December, 67- 79.
- 45- Jones, Seth, Thompson, Ngo, Bermudens (2021) The Iranian and Houthi War against Saudi Arabia, CSIS, December 21, 1-16.
- 46- Nadeem Mirza, Muhammad, Abbas & Qaisrani, (2021) Structural Sources of Saudi-Iran Rivalri and Competition for the Sphere of Influence, SAGE, July-September, 1-9.
- 47- Terrill, W. Andrew (2014) Iranian Involvement in Yeme, Foreign Policy Research Institute, summer 2014, 429-440.

نقش تحولات داخلی یمن در رقابت‌های منطقه ای ایران و عربستان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

عربشاهی - اژدری

48- Sedivy, Jivi(2004)Book Review of Regions and Power: The Structure of International Security by Barry Buzan and Ole Waever, Journal of International Relation and Development, Vol 7

49-Cordesman, Anthony H(2011)US and Iranian Strategic Comptition in the Gulf States and Yemen,Online, Center for Strategic and International Studies, at http://csis.org/files/publication/120228_Iran_Ch_VI_Gulfstate, November 16.

50-Hubbard, Ben(2022)How a Saudi-Led Alliance Battling an Iran-Backed Militia Devastated Yemen, Online, www.nytimes.com, April 7.

51-Salisbury, Peter(2015)Yemen and the Saudi-Iranian “Cold War”,Online, Available in: http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_document/2015_0218,Yemen_Iran_Saudi.pdf, 14/9/2022

52-Zimmerman, Katherine(2022)Saudi Arabia’s war in Yemen, Online, www.criticalthreats.org, March25.

53-Zimmerman, Katherine (2022)Yemen’s Houthis and the expansion of Iran s Axis of Resistance,Online, www.criticalthreats.org, March 14